

به ادامه گذشته

فقیر محمد ودان

28 نوامبر 2012

برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت دوازدهم

با تکمیل توضیح برخی مسایل مندرج در مرامنامه جدید حزب وطن ، اینک به تفسیر برخی مسایلی از مندرجات اساسنامه جدید حزب وطن ؛ نیز پرداخته می شود .

حزب وطن مانند تمامی احزاب دیگر ، افزار سیاسی بی است جهت دستیابی به اهدافی که در مرامنامه این حزب - مصوب مجمع عمومی پنجم میزان 1391 (شهر کابل) - انعکاس یافته اند . بنابراین ، این افزار چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ عملکرد خویش ، می باید کارایی لازم و ضرور را برای انجام چنین رسالتش در قبال دستیابی به اهداف و آرمانهای متذکره ، دارا باشد . اساسنامه حزب وطن - مصوب مجمع عمومی فوق الذکر - بمثابة وثیقه با اعتبار تنظیم حیات داخلی حزب ، بادر نظر داشت چنین مختصاتی تسوید ، تصویب و نافذ گردیده است . به همین ملحوظ در همان آغاز متن اساسنامه و تعریفی که از حزب وطن بعمل آمده ، به بنیاد های واحدی جهت تعیین اهداف و تنظیم حیات درونی حزب وطن ؛ چنین اشاره صورت گرفته است :

«حزب وطن عالیترین شکل سازمان سیاسی سراسری وطنی و تندوستان افغانستان است که در آن افراد پیشگام ، آگاه ، متعهد ، مؤمن و با وقف ، از میان مردم افغانستان ، بطور داوطلبانه متحد گردیده ، با اعتقاد به وفاق ملی و با اتکا به ارزشهای دموکراتیک و ترقیخواهانه فرهنگ افغانی و اصول پذیرفته شده عام بشری ، جهت ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای اجتماعی - اقتصادی جامعه رفاه و ساختار های مدنی لازمی آن ، مبتنی بر مرامنامه تدوین شده خویش ، مجاهدت مینماید .»

حزب وطن محصول قانونمند تکامل تاریخی و وارث نهضت آزادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین باستانی ما بوده ، از متن آن قامت برافراشته ، با در نظر داشت درسها و تجارب حاصله از این نهضت و تلفیق آن با اندیشه های صلح خواهانه و حقایق جهان معاصر ، اهداف خویش را معین نموده و حیات درونی خود را تنظیم مینماید . اعتقاد به اندیشه سیاسی مصالحه ملی مبتنی بر اصل

جاویدان «و الصلح خیر»؛ باور به ارزشهای جامعه مدنی و از جمله دموکراسی و پلورالیزم سیاسی - عقیدتی، سرشت حزب وطن را تشکیل میدهد. بنابراین سرشتی، حزب حیات درونی خویش را نیز مبتنی بر اصول دموکراسی و پلورالیزم نظریاتی (وحدت در تنوع) انتظام میبخشد؛ تا اعضای حزب بتوانند تنوع نظریات را ارایه و جایگاه شان را در آرایش نیروهای تثبیت نمایند که در درون حزب با رعایت ارزشهای مندرج مرامنامه و اساسنامه آن، تبارز نموده و یا مینمایند.»

توضیحات فوق میرساند که هم در متن مرامنامه و هم در متن اساسنامه جدید حزب وطن، این بار نیز به ماهیت و مضمون اندیشه سیاسی مصالحه ملی اتکا و به «درسها و تجارب حاصله» از «نهیضت از ادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین باستانی ما» توجه صورت گرفته است. بدین ملحوظ؛ این حزب هم از لحاظ تداوم تاریخی و هم از لحاظ توجه به جنبه های مثبت و منفی تجارب این نهضت (1) و بکاربرد ارزشهای مثبت این تجارب، نه تنها محصول قانونمند تکامل تاریخی، بلکه وارث این نهضت نیز محسوب میگردد.

تلفیق فرآورده های اندیشه یی و عملی یی منتج از تجارب تاریخی نهضت آزادیبخش و ترقیخواه میهن ما، با مختصات عینی وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کنونی و تغییر یافته کشور، منطقه و جهان و همچنان تاثیرات متقابل این اوضاع (اوضاع کنونی داخل کشور، منطقه و جهان) بر همدیگر و استنتاج نهایی از آن، اصل دیگری است که در تعیین ماهیت اسناد اساسی و در نتیجه در تشخیص و تعریف حزب وطن، بدان توجه صورت گرفته است.

افزون بر آن؛ چون حزب وطن، درین مرحله از تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه افغانی، هدف دورنمایی خویش را دستیابی به ارزشهای جامعه رفاه و ساختارهای مدنی لازمی آن بر مبنای اصول دموکراسی، قرار داده است، خود حزب نمیتواند و نباید حیات درونی خود را در انطباق با ارزشها و اصول دموکراسی تنظیم نماید. زیرا حزبی که به تحقق ارزشهایی برای خود و در درون خود نمی پردازد، ادعای آن جهت مبارزه برای تحقق چنین ارزشها در سطح جامعه و جهان، نمیتواند قابل اعتبار باشد. زندگی و تجربه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر احزاب همپراز، مؤید این حقیقت اند.

یکی از مختصات اساسنامه جدید، تحقق آن آرزوی رهبر شهید ما دوکتور نجیب الله است که علی الرغم علاقمندی شدید شان، بنابر وضعیت نامناسب عینی، هم در کشور و هم در درون حزب، حین تدویر کنگره سرطان 1369 ممکن نگردید تا درج اساسنامه حزب، مصوب آن کنگره گردد. این آرزو که حزب را با مقتضیات زمان هماهنگ می ساخت، پلورالیزم نظریاتی درون حزبی، در زمینه چگونگی دستیابی به اهداف مرامی حزب بود. به ملحوظ همین ضرورت است که حزب وطن بمثابه حزبی دارای سرشت کثرت پذیر و دموکرات، اینک «حیات درونی خویش را نیز مبتنی بر اصول دموکراسی و پلورالیزم نظریاتی (وحدت در تنوع) انتظام میبخشد؛ تا اعضای حزب بتوانند تنوع نظریات را ارایه و جایگاه شان را در آرایش نیروهای تثبیت نمایند که در درون حزب با رعایت ارزشهای مندرج مرامنامه و اساسنامه آن، تبارز نموده و یا مینمایند». بخاطر تحقق همین اصل تذکاریافته در تعریف حزب وطن است که در بند اول ماده سوم اساسنامه جدید حزب ما، تاکید بعمل آمده؛ که هر عضو حزب حق دارد:

[«با رعایت اصل «وحدت در تنوع» در حیات درونی حزب، در بحث ها روی مسایل جاری و دورنمایی حزب فعالانه سهم بگیرد، نظریات خویش را - بمنظور جلب حمایت از آن - در جلسات حزبی، در میان سایر اعضای حزب، در مطبوعات حزبی و سایر رسانه های گروهی مطرح و مبتنی بر این نظریات جایگاه خویش را در آرایش نیروهای تثبیت نماید که در درون حزب با رعایت مرامنامه و ارزشهای مندرج این سند، تبارز نموده و یا مینمایند»].

با اشاره به مشخصه فوق ، در گزارش اساسی تصویب شده بوسیله مجمع عمومی مؤرخ 5 میزان 1391 حزب وطن ؛ چنین تذکار بعمل آمده است : « این مشخصه دسته بندی های مشروع و معقولی را در درون حزب مجال تبارز قانونی میدهد که از یک سو مبارزه درون حزبی را بمنظور رفع انحرافات و کاستی های محتمل ، زمینه داده و از سوی دیگر با انگیزش رقابت های معقول ، باعث تحرک و دینامیزم ساختار های درونی حزب میگردد . حزب بنا بر اهمیت چنین تحرک درحیات درونی خویش و انتظام معقول آن ، رهنمودی را تنظیم و آن را در یکی از جلسات شورا مرکزی خویش مطرح و تصویب خواهد نمود» .

معمولاً در تداوم آن بخش از حیات حزبی گذشته و به تاریخ سپرده شده آن نسل از اعضای کنونی حزب وطن که به ح . د . خ . ا مرتبط بودند ، مفهوم «فرکسیون» و عملکرد گروهی از اعضای حزب تحت همین عنوان ، نه تنها قابل نکوهش بلکه خیانت به حزب و به آرمانهای آن تلقی و به همین ملحوظ خطاب «فرکسیون باز !» ، بدترین ناسزای سیاسی و تحقیر مخاطب ، محسوب میشود . این وضعیت کدام نتایجی را در قبال خویش باعث گردید :

هیچ یک از رهبران ، کادرها و اعضای حزب به تاریخ سپرده شده دموکراتیک خلق افغانستان ، منکر این حقیقت نیستند و نمیتواند منکر باشند که در تمامی دوران حیات سیاسی این حزب ، در درون تشکیلات آن ، برخلاف ممنوعیت اساسنامه یی ، نه تنها «جناح» ها ، بلکه در هریک از جناحها ، فرکسیون های متعدد رسماً تعریف نشده ، وجود داشته اند . چون این جناح ها و فرکسیون ها در خفا و بدون تبارز علنی ، در محدوده افراد همراز و بدون وجود فضای تقابل اندیشه یی ، شکل می گرفتند ، چه بسا که فاقد طرح اصولی و در حیطه سلیقه ها و منافع مستور شخصی افراد (حفظ و تحکیم مقام و موقف موجود ، یا بدست آوردن مقام بالاتر و صلاحیت های بیشتر) و آنهم افراد پرقدرتی - که چه بسا منابع این قدرت نیز در داخل حزب و حتی داخل کشور نبودند - در حلقات رهبری و آنهم رهبرانی میچرخید که خود در تمام جلسات حزبی با رای مثبت شرکت نموده ولی در بیرون از جلسات و حیات رسمی حزب ، با برخورد های عوامفریبانه ، اندیشه ها و طرح های برخلاف آنرا به اعضای فرکسیون خویش ، توأم با توصیه حفظ رازداری ، تلقین مینمودند که خود در داخل جلسات یا به رضایت کامل ، یا بنابر فقدان منطق و استدلال و یا هم بنابر نبود شجاعت تبارز مخالفت ، با آنان موافقت نموده بودند . چنین خصوصیتی نه تنها به مرض دردناکی مبدل گردیده بود که تشکیلات حزب را پیوسته زجر میداد ، بلکه در بهترین حالت از تحرک و مؤثریت آن میکاست و چه بسا که به انشعاب و یا برخورد نظامی کشانیده می شد .

افزون بر آن با تسلط ایدولوژی معین و نبود رسمی فرکسیون ها در حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، تشکیلات حزب رسماً فاقد میکانیزم تصحیح و تکامل اندیشه یی - سیاسی و در نتیجه فاقد میکانیزم جلوگیری از اشتباهات ، کجروی ها و انحرافات ، همچنان تسلط کیش شخصیت و تداوم سلطه رهبر (رهبران) سنتی فاقد تحرک و بی ابتکار گردید . در نتیجه تسلط چنین وضعیت ، ضعف اخلاقی مسلط شد که با ترس و تشویش از قطب دموکراسی در اصل «مرکزیت دموکراتیک» ، به «مرکزیت خدشه ناپذیر» و «انضباط آهنین» در حیات حزبی - و آن هم در حول اراده و «رهنمودهای داهیان رهبر» ، اتکای مطلق تعمیل میگردد . حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، مثالی است از حقیقت تمامی احزاب همطراز در کشورهای مختلف ، صرفنظر از آنکه این احزاب در کدام شرایط اجتماعی - اقتصادی ، فعالیت مینمودند و یا فعالیت مینمایند .

با استنتاج از حقایق فوق و تلفیق آن با تجارب احزاب معتقد به دموکراسی در پهنه جهان بود که حزب وطن با تبارز بلوغ سیاسی و اعتماد به نفس ، مطابق به متن فوق الذکر از اساسنامه جدید خود ، به وجود و حضور مشروط فرکسیون ها در درون تشکیلات حزبی ، مشروعیت بخشیده است . زیرا وجود فرکسیون ها در ساختار تشکیلاتی احزاب افغانی پدیده جدید ضروری یی است که باید

تعمیل میگردید . ما میدانیم که مبادرت به آن بمنابۀ تجربه جدید ، خالی از اشکال نخواهد بود اما باور ما اینست که حزب ما بادر نظر داشت تجارب و درسهای گذشته و بلوغ سیاسی آزموده شده کادرها و فعالین خویش ، میتواند و باید بتواند با اشتباهات و خلل های احتمالی کمتر ، از عهده تحقق مؤفّقانه این تجربه و تثبیت ارزشهای مثبت آن ، بدر آید .

اصل اساسی شرط وجود و حضور یک فرکسیون در تشکیلات حزب وطن اعتقاد به درستی ارزشهای مندرج مرامنامه حزب وطن و کمک به سازماندهی ابعاد مختلف مبارزه سیاسی جهت دستیابی به تحقق این ارزشها و تنظیم هرچه بهتر حیات درونی حزب مطابق اصول مندرج در اساسنامه حزب است . این بدان معنی است که فرکسیونهای متذکره گرایش های متفاوت (چپ ، میانه و راست) را جهت دستیابی به اهداف و ارزشهای مندرج مرامنامه حزب تبارز میدهند . بدین ملحوظ گرایش های سیاسی مغایر و مخالف اهداف و ارزشهای مندرج مرامنامه و اساسنامه حزب بوسیله فرکسیون ها ، ماهیت فرکسیون حزبی آنان را به فرکسیون ضد حزبی مبدل نموده ، مشروعیت حزبی شان را سلب مینماید . بدین ملحوظ فرکسیون های متذکره صرف در حول گرایش های متفاوت فوق الذکر سیاسی معطوف به تحقق بهتر - از دیدگاه هر فرکسیون - اهداف و ارزشهای مندرج مرامنامه مشروعیت داشته نه بر محور گرایش های قومی ، سمتی ، زبانی و غیره مسایلی که مغایر اهداف و ارزشهای مندرجات مرامنامه و اساسنامه حزب اند .

فرکسیون های حزب که مظهر آزادی و دموکراسی در درون حزب و برای حزب بوده ، توسط انتخابات در تمام سطوح حزب ، مشروعیت کسب نموده و بر کمیتهای آرای اتکا دارند که در پشتیبانی از خود ، در درون حزب برمی انگیزند .

با استنتاج از توضیحات فوق ، میتوان ارزشهای مورد توقع ناشی از وجود و حضور فرکسیون های مشروع - که رهنمود شورای مرکزی حزب بعد از تصویب و انفاذ ؛ اصول مشروعیت ، حقوق و مسوولیت ها ، همچنان حدود و چگونگی فعالیت های شانرا مشخص خواهد ساخت - در حزب وطن را ؛ چنین فورمولبندی نمود :

- ساختار تعریف شده توأم با کارایی معقول و مؤثری را جهت ورود و تحقق اصل دموکراسی در حیات حزبی ایجاد مینماید که عملکرد آن باعث تحقق تمامی ارزشهای این اصل در حیات حزبی گردیده ، از احمال نفوذ انحصاری تمایلات رهبر (تیم رهبری) ، تحمیل «کیش شخصیت» ، کجروی ها و انحرافات جلوگیری نموده ، احتمال اشتباهات را در سیاست گذاری و در پروسه تعمیم این سیاست ها ، تا حدود زیاد تقلیل میبخشد .

- آزادی بیان و مباحثه و به این وسیله کثرت نظریات را در حول اهداف و ارزشهای مندرج مرامنامه حزب و در پیرامون مسایل مربوط به چگونگی انتظام حیات حزبی بار آورده ، گره گاه های نظریاتی و تجربی را باز ، مقاطع مبهم آن را توضیح و در نتیجه باعث غنای فکری و عملی حزب گردیده ، سیاست گذاری و تعمیم سیاست ها را متعادل ساخته از افراط و تفریط مصون میدارد .

- جاذبه اجتماعی حزب را در گستره تمامی برداشت های ممکن (چپ ، راست و میانه) از اهداف و ارزشهای مندرج مرامنامه آن ، تقویت نموده به ارتقای اعتبار و نفوذ حزب در میان اقشار و لایه های متعدد اجتماعی ، کمک مینماید .

- رقابت مشروع و تعریف شده میان فرکسیونهای درون حزبی ، باعث رفع رکود و جمود حیات حزبی گردیده ، برای تحرک و دینامیزم حد اکثر ساختار های حزبی ، در درون حزب نیز پیوسته انگیزه ایجاد نموده و آن را تداوم میبخشد .

- در جریان مبارزات پرتحرک فرکسیون های درون حزبی ، کادر های مستعد و پرتوان حزبی تربیه و تبارز نموده و خود را می شناسانند . این پروسه به انتخاب افراد در مقامات رهبری کننده فرکسیون ها و در نتیجه به انتخاب کادر رهبری حزب ، کمک شایان نموده از پیش کشیدن افراد فاقد صلاحیت ، تصادفی ، تحمیلی و یا هم مطیع رهبر (رهبران) ، جلوگیری بعمل می آورد .

- فرکسیون های درون حزب ، اعضا و بخصوص شخصیت های طراز اول همدیگر را پیوسته تحت نظر داشته ، در تیررس نقد قرار داده و کوچکترین اشتباه و یا ضعف های سیاسی و اخلاقی شان را به رخ آنان کشیده ، در جلسات حزبی مطرح و حتی در مطبوعات حزبی منتشر و در نتیجه مانع وجود و حضور چنین شخصیت ها در مقامات حزبی میگردند . این اصل در منزه نگهداشتن کادر رهبری حزب از اشتباهات سیاسی و ضعف های اخلاقی کمک در خور توجه بعمل می آورد .

در قسمت های بعدی باز هم به توضیح برخی مسایل مندرج اساسنامه حزب خواهیم پرداخت .

ادامه دارد

یادداشت ها :

1 - درین متن هدف از «نهضت آزادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین ما» ، نهضتی است که تسلل معاصر آن در وجود مشروطه خواهان اول ، مشروطه خواهان دوم ، دوره هفتم شورای ملی ، احزاب دموکرات و ترقیخواه در دهه دموکراسی و سالهای بعدی آن - بخصوص تجارب مثبت و منفی ح . د . خ . ا که گذشته تاریخی نقد شده بوسیله حزب وطن و یک بخش از زندگی سیاسی هریک از بنیانگذاران حزب وطن (درکنگره 1369 خورشیدی) را تشکیل میدهد - تجلی تاریخی یافته است .

باید تذکار نمود که در مجمع عمومی حزب وطن مؤرخ 5 میزان سال 1391 خورشیدی ، بیش از 45 درصد (110 تن از جمله 241 نفر) از اعضای منتخب آن ، با داشتن عمر حد اکثر 30 سال ، نسل جدیدی را نمایندگی مینمودند که در سالهای وجود و حضور ح . د . خ . ا در وضعیت سیاسی کشور ، تولد نشده و یا کمتر از ده سال عمر داشتند .